

اعمال و رویه‌های محدودکننده تجاری در قراردادهای انتقال تکنولوژی

SID مجله علمی و تخصصی

چکیده

قراردادهای انتقال تکنولوژی در اغلب موارد همراه با اعمال و رویه‌های محدودکننده تجاری است. این اعمال و رویه‌ها به وسیله کشورهای توسعه یافته که در قراردادهای مزبور در موقعیت برتر قرار دارند به کشورهای در حال توسعه تحمیل می‌شوند. شناخت دقیق انواع این رویه‌ها و اثرات نامطلوب آن‌ها بر توسعه اقتصادی کشورهای در حال توسعه موضوع اصلی مقاله حاضر است. تلاش جوامع ملی در وضع قواعد ضدتراست و تلاش جامعه بین‌المللی در وضع قواعد منطقه‌ای و بین‌المللی از جمله "مجموعه قواعد و مقررات چند جانبه برای کنترل اعمال و رویه‌های محدودکننده تجاری" نشان دهنده اهمیت این اعمال و ضرورت کنترل و نظارت بر آنها است. از آنجایی که درج این اعمال و رویه‌ها در قراردادهای انتقال تکنولوژی رابطه مستقیمی با منافع و سود شرکت‌های فراملیتی دارد، جامعه بین‌المللی و خصوصاً کشورهای در حال توسعه تاکنون نتوانسته‌اند مجموعه مقررات الزام‌آوری در این خصوص به تصویب رسانند. این امر ضرورت توجه مداوم همه کشورهای در حال توسعه به ممنوعیت این اعمال و نظارت و کنترل را بر رفتار شرکت‌های مزبور همچنان می‌طلبد.

واژگان کلیدی: اعمال و رویه‌های محدودکننده تجاری، قراردادهای انتقال تکنولوژی، کشورهای توسعه یافته، کشورهای در حال توسعه، آنکتاد، مجموعه قواعد و مقررات چند جانبه برای کنترل اعمال و رویه‌های محدودکننده تجاری.

Archive of SID

کشورهای در حال توسعه جهت دسترسی و استفاده از تکنولوژی مناسب و مورد نیاز از طرق مختلفی با محدودیت‌هایی روبه‌رو می‌گردند که از جمله مهم‌ترین و شایع‌ترین آنها "اعمال و رویه‌های محدودکننده تجاری"^{*} است که در قراردادهای انتقال تکنولوژی غالباً درج می‌شوند. این اعمال و رویه‌ها که دریافت‌کننده تکنولوژی را از جهات متعدد و مختلفی از جمله شرایط مربوط به تحصیل تکنولوژی، توزیع کالاها، تولیدی ناشی از تکنولوژی خریداری شده، توسعه و تکامل محلی تکنولوژی محدود و مقید می‌سازند به وسیله دارنده تکنولوژی که اغلب شرکت‌های چند ملیتی هستند به دریافت‌کننده تکنولوژی که اغلب کشورهای در حال توسعه یا کمتر توسعه یافته می‌باشند تحمیل می‌کنند. با این حال، این اعمال و رویه‌ها فقط در معاملات تجاری و قراردادهای منعقد فی مابین شرکت‌های فوق‌الاشاره به نمایندگی از کشورهای توسعه یافته و کشورهای در حال توسعه درج نمی‌شوند، بلکه در نظام سرمایه‌داری توسط شرکت‌های بزرگ‌تر و قوی‌تر به منظور تسلط بر بازار و کنترل آن نیز به کار می‌روند. اهمیت اساسی اعمال و رویه‌های محدودکننده تجاری در کشورهای توسعه یافته معطوف به این واقعیت است که این اعمال مانع رقابت تجاری سالم در بازار می‌شوند و شرکت‌های کوچک‌تر را که از توان مالی و اقتصادی کمتری نسبت به رقبای خود برخوردار هستند از امکان رقابت سالم محروم می‌کنند، لذا در این کشورها کنترل اعمال و رویه‌های محدودکننده تجاری عموماً با وضع قوانین ضد رقابت و ضد تراست انجام می‌شود در حالی که رویکرد کشورهای در حال توسعه در این خصوص متفاوت است. از نقطه نظر کشورهای اخیر، مبنای کنترل و محکومیت اعمال فوق ناشی از تأثیر منفی این اعمال بر توسعه و پیشرفت فنی کشور است، لذا وضع مقررات در این مورد نیز باید منافع گسترده‌تری را دربر می‌گیرد؛ منافعی که به توسعه فنی و اقتصادی کشور دریافت‌کننده تکنولوژی بسیار مربوط و نزدیک است. در این مقاله سعی شده است به چند سؤال پاسخ داده شود:

۱. اعمال و رویه‌های محدودکننده تجاری کدامند؟ برای پاسخ به این سؤال این اعمال و رویه‌ها در ۴ دسته کلی تقسیم و هر کدام به طور مستقل بررسی شده‌اند.

۲. اثرات نامطلوب و نقش منفی این اعمال در قراردادهای انتقال تکنولوژی بر اقتصاد

کشورهای در حال توسعه در کجا ظاهر می‌شوند؟ در پاسخ به این سؤال در ذیل توضیح و تشریح هر یک از این اعمال، اثرات مزبور مورد مطالعه قرار گرفته است.

۳. به منظور کنترل و نظارت بر این اعمال و کاهش اثرات نامطلوب آن، تاکنون چه اقداماتی صورت گرفته است؟ پاسخ این سؤال نیز در بخش مستقلی با عنوان اقدامات ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی مورد بررسی قرار گرفته است.

الف - ملاحظات کلی

۱. تبیین مفهوم "اعمال و رویه‌های محدودکننده تجاری"

اگر «رقابت» را پایه و اساس اقتصاد هر کشوری محسوب کنیم در اقتصاد مبتنی بر بازار (Market Economy) وظیفه اصلی نهادها و مدیران اقتصادی کشور حفظ و تأمین انصاف در سطح بازار است. رقابت سالم تجاری نه تنها در ارتقای سطح بازار داخلی نقش اساسی دارد، بلکه باعث دسترسی کشورها به بازارهای جهانی، نیز می‌شود. معنی کلی «رقابت» وسیله‌ای مناسب برای ادامه حیات و بقای شرکت تجاری تعریف شده است. شرکت‌ها با ابزار رقابت مشتریان بیشتری را به سوی خود جذب می‌کنند و برای دستیابی به بهترین عملکرد، تولید کالاهای مرغوب و ارائه خدمات مطلوب با کمترین قیمت ممکن، انگیزه بیشتری خواهند داشت. رقابت همچنین به فعالیت‌هایی منجر می‌شود که فرصت‌های شغلی بیشتری را در سطح جامعه ایجاد می‌کند و با تشویق تولیدکنندگان موفق و تحریم شرکت‌های ناموفق و خارج ساختن آنها از دور رقابت باعث ایجاد امکان فعالیت برای شرکت‌های جدید و ورودشان به نظام اقتصادی جامعه می‌شود. با این حال همواره این امکان وجود دارد که شرکت‌ها و تجار با وسوسه کسب سود بیشتر و با تحریف معنای واقعی رقابت از قدرت تجاری خود سوء استفاده کنند و با عملکرد غیراخلاقی و ضد رقابتی خود مانند به کارگیری اعمال و رویه‌های محدودکننده تجاری امکان رقابت سالم تجاری را از میان بردارند. بدین لحاظ مداخله دولت و سیاست‌های دولتی برای فراهم‌سازی، حفظ و تشویق امکان رقابت سالم در بازار همواره لازم و ضروری است. وضع قواعد و مقررات «ضد تراست» و «حقوق رقابت» از جمله اقدامات پیشگیرانه در این

www.SID.ir
خصوص است.

اعمال و رویه‌های محدودکننده تجاری دارای تعاریف مختلفی هستند و این اختلافات از

رویکرد دوگانه‌ای ناشی می‌شود که در خصوص مبانی غیرقابل قبول این اعمال و اهداف مورد نظر در کنترل و نظارت بر آنها وجود دارد. برخی معتقدند وجه مشترک هر دو رویکرد مفهوم زیربنایی "محدودیت رقابت" است که در اقتصاد بازار قابل پذیرش نیست. هنگامی که آثار زیان‌بار این اعمال بر توسعه اقتصادی کشور مبنای ممنوعیت در نظر گرفته می‌شود و وضع مقررات و کنترل آنها توسط دولت‌ها با این هدف صورت می‌گیرد، تعریف ارائه شده گسترده می‌شود و براساس "قاعده عقلی"^۱ معین می‌گردد که چه اعمال و رویه‌هایی محدودکننده و در نتیجه غیرقابل پذیرش است. (Wang, 1981, 5) با این حال غالب تعاریف ارائه شده بر مبنای مفهوم "تسلط بر بازار"^۲ توسط یک یا چند شرکت و موضوع رقابت استوار است. در واقع اعمال و رویه‌های محدودکننده تجاری برای شرکت‌ها به عنوان ابزاری تلقی می‌شود که به وسیله آن می‌توانند رقبای خود را از بازار رقابت حذف کنند و در نتیجه با دستیابی به بازار بدون رقیب و انحصاری منافع و سود غیرطبیعی به دست آورند. "تسلط بر بازار" که اغلب مترادف با "نظارت و کنترل بر بازار" تعریف می‌شود به عنوان موقعیتی ممتاز برای شرکت یا شرکت‌ها تعریف شده است در جایی که رقابت مؤثری وجود ندارد. (Long, 1981, 1-2)

در منشور هاوانا که تشکیل سازمان تجارت بین‌المللی (ITO) را پیش‌بینی کرده بود، اعمال و رویه‌های محدودکننده تجاری به عنوان اعمالی تعریف شده که موجب "محدود شدن دسترسی به بازار، جلوگیری از رقابت آزاد و کنترل انحصاری بازار" می‌شوند،^۳ سازمان همکاری اقتصادی و توسعه اروپا (OECD) نیز ضمن بر شمردن برخی از انواع این اعمال، آنها را رویه‌هایی می‌داند که اثر منفی و مخربی بر رقابت آزاد در بازار دارند و موجب تسلط بر بازار می‌گردند. (OECD, 1978, 1528) تعریف کامل و جامعی که مورد قبول کشورهای در حال توسعه و هم کشورهای توسعه یافته باشد و به عبارت دیگر دربردارنده هر دو رویکرد در مورد مبانی این اعمال و رویه‌ها باشد، تعریفی است که در "مجموعه قواعد و مقررات چند جانبه برای

۱. Rule of Reasons به نظر می‌رسد اولین بار در سال ۱۹۱۱ دادگاه عالی ایالات متحده آمریکا در دعوی Standard Oil Co. V. United States از این قاعده در این باره استفاده نمود. به منظور اطلاع از جزئیات بیشتر به منبع ذیل مراجعه شود. (Jackson, 1995, 1063)

2. Market dominance

3. Havana Charter for an International Trade Organization (ITO), Art 46 United Nations Conference on Trade and Employment, Final Act and related document, Ch.v (1984) لازم به توضیح است که سازمان مزبور هرگز تشکیل نگردید. (1984)

کنترل اعمال و رویه‌های محدودکننده تجاری^۱ ارائه شده است. این اعمال و رویه‌ها به معنی "اعمال و رفتارهای مؤسسات و شرکت‌های تجاری هستند که از طریق سوء استفاده یا کسب و سوء استفاده از موقعیت برتر خود در بازار، باعث ایجاد محدودیت در دسترسی به بازار یا به صورت ناروا مانع رقابت می‌شوند و اثرات منفی مسلم یا محتمل بر تجارت بین‌الملل، خصوصاً تجارت کشورهای در حال توسعه و توسعه اقتصادی این کشورها بر جای می‌گذارند." (UNCTAD, 1981, 26-30)

۴. ضرورت ممنوعیت و کنترل اعمال و رویه‌های محدودکننده تجاری

مؤسسات و شرکت‌های تجاری با قرار دادن اعمال و رویه‌های محدودکننده تجاری در قراردادها، قادر خواهند بود میزان تولید کالا و افزایش و حفظ قیمت آن را در انحصار داشته باشند و از این طریق مستقیماً یا به طور غیرمستقیم بر توسعه اقتصادی کشورها اثر می‌گذارند. (Greenhill, 1978, 67.) از نقطه نظر کشورهای در حال توسعه ممنوعیت این اعمال و رویه‌ها باید در راستای سیاست‌های مربوط به کنترل سرمایه‌گذاری خارجی تفسیر شود، زیرا این اعمال علاوه بر اینکه در ذات خود ناعادلانه و موجب انحصار در بازار و حذف رقبای نهائماً به زیان حقوق مصرف‌کننده هستند، اما شالوده اصلی ممنوعیت آنها به علت تأثیر مخربی است که بر اقتصاد و توسعه فنی این کشورها به عنوان کشورهای دریافت‌کننده تکنولوژی در قراردادهای انتقال می‌گذارند. در مذاکرات مربوط به تهیه کردارنامه (قواعد رفتاری) بین‌المللی در خصوص انتقال تکنولوژی^۲ به علت همین دو رویکرد مختلف در خصوص مبانی ممنوعیت این اعمال در میان کشورهای در حال توسعه و کشورهای توسعه یافته، حتی توافق بر سر عنوان فصل چهارم

1. The set of Multilaterally Agreed Equitable Principles and Rules for the Control of Restrictive Business Practices.

2. International Code of Conduct on the Transfer of Technology

مذاکرات مربوط به تهیه و تنظیم این مقررات با تشکیل اولین کنفرانس بین‌المللی تحت نظارت آنکتابد در سال ۱۹۸۹ شروع و نهایتاً در ششمین کنفرانس در سال ۱۹۸۵ پیش نویس کنونی تهیه شد، لیکن به علت اختلاف نظر دولت‌ها در خصوص فصل‌های چهارم؛ اعمال و رویه‌های محدودکننده تجاری و فصل نهم، قانون حاکم و حل و فصل اختلافات بین طرفین^۳ به تصویب نهایی دولت‌ها نرسید. جهت اطلاعات بیشتر مراجعه شود به:

UNCTAD, Negotiations on a Draft International Code of Conduct on the Transfer of Technology, TD/CODE TOT/47, (JUNE 1985)

کردارنامه حاصل نگردید. گروه ۷۷ (به نمایندگی از کشورهای در حال توسعه) عنوان زیر را برای فصل چهارم پیشنهاد داد "مقررات اعمال و توافقات دربردارنده انتقال تکنولوژی" در حالی که گروه B (به نمایندگی از کشورهای توسعه یافته) عنوان "اعمال و رویه‌های محدودکننده تجاری" و گروه D (به نمایندگی از کشورهای سوسیالیستی) عنوان "منع تبعیضات سیاسی و اعمال و رویه‌های محدودکننده تجاری" را پیشنهاد دادند. (UNCTAD, (a) 1979, 11). از مقایسه میان متون و پیشنهادات مختلفی که گروه ۷۷ و گروه B در خصوص فصل چهارم کردارنامه مزبور ارائه دادند به این نتیجه می‌توان رسید که تفاوت عمده میان این دو گروه، آن بود که از نظر گروه B، هنگامی عمل یا رویه‌ای ممنوع است که هم به طور ناروا موجب محدودیت رقابت شود و هم بر انتقال بین‌المللی تکنولوژی اثر منفی گذارد، لیکن گروه ۷۷ معتقد بودند یکی از این دو مبنا به تنهایی برای ممنوعیت و کنترل این اعمال کافی است. (Blakeney, 1989, 143.)

آنچه مسلم و قدر متیقن بین همه گروه‌ها و رویکردهای مختلف است، ضرورت کنترل این اعمال و وضع قاعده در خصوص ممنوعیت آنها می‌باشد. امروزه در اغلب نظام‌های حقوق ملی، قوانین و مقرراتی در این خصوص وضع شده است و کنفرانس ملل متحد راجع به تجارت و توسعه (UNCTAD) نیز با هدف مساعدت به کشورهای در حال توسعه در وضع قوانین مناسب جهت کنترل این اعمال و رویه‌های محدودکننده تجاری در سال ۱۹۷۹ اولین پیش‌نویس قانون نمونه را تهیه و انتشار داده است. (UNCTAD, (b) 1979)

ب - انواع اعمال و رویه‌های محدودکننده تجاری

اعمال و رویه‌های محدودکننده تجاری انواع و اقسام متعددی دارد که هر کدام از آنها می‌توانند به اشکال مختلف در قراردادهای تجاری و خصوصاً قراردادهای انتقال تکنولوژی درج شود. در مذاکرات مربوط به تهیه کردارنامه بین‌المللی در خصوص انتقال تکنولوژی فهرست طولانی از این اعمال مورد بررسی قرار گرفت، لیکن فقط در خصوص درج ۱۴ نوع از آنها در کردارنامه توافق کلی حاصل شد و این در حالی بود که توافق بر درج ۶ نوع دیگر که از طرف گروه ۷۷ ارائه شده بود به بن بست رسید.

در این مقاله تلاش شده است تا انواع اصلی و رایج این رویه‌ها مورد بررسی قرار گیرد و به منظور شناسایی هرچه بیشتر نقش منفی آنها بر قراردادهای انتقال تکنولوژی و اقتصاد کشورهای

دریافت‌کننده این رویه‌ها در مرحله نخست به سه گروه عمده تقسیم می‌شوند: هر یک از این گروه‌ها یکی از جنبه‌های مرتبط با تحصیل، توسعه و تکامل تکنولوژی و توزیع کالاهای ساخته شده از تکنولوژی انتقال یافته را دربر می‌گیرد. معهدا اعمال و رویه‌های دیگری وجود دارند که در قراردادهای انتقال تکنولوژی درج می‌گردند، اما در سه گروه عمده فوق نمی‌باشند و هر کدام دارای خصوصیات خاص خود هستند که در این مقاله تحت عنوان "سایر اعمال و رویه‌های محدودکننده تجاری" مورد بررسی قرار می‌گیرند.

۱. اعمال و رویه‌های محدودکننده تجاری در رابطه با اخذ تکنولوژی برای تولید

۱.۱. محدودیت‌های مربوط به حوزه استفاده از تکنولوژی انتقال یافته^۱

این محدودیت هنگامی در قراردادهای انتقال تکنولوژی درج می‌شود که تکنولوژی مربوطه در حوزه‌ها و زمینه‌های مختلف قابل استفاده هستند. انتقال دهنده تکنولوژی با درج این محدودیت قادر خواهد بود استفاده از تکنولوژی انتقال یافته را برای انتقال گیرنده محدود به بخش خاصی نماید و از این طریق بهره‌برداری از آن در بخش‌های دیگر را برای خود یا اشخاص ثالث مجاز از طرف او حفظ می‌کند. محدودیت مزبور موجب می‌گردد انتقال گیرنده تکنولوژی از بخشی از آثار و فواید تکنولوژی خریداری شده محروم شود، زیرا نمی‌تواند دایره تولید خود را به سایر کالاها و بخش‌های صنعتی دیگر توسعه دهد که ممکن است استفاده گسترده‌تر و مفیدتری برای اقتصاد کشور داشته باشد. نتیجه دیگر اعمال این محدودیت آن است که انتقال گیرنده از تولید کالای خاصی که امکان بیشتری برای صادرات آن در بازار جهانی وجود دارد یا برای نیازهای محلی او لازم است محروم می‌شود. (UNCTAD, 1973, Para 10) این رویه محدودکننده معمولاً در قراردادهای licensing که مربوط به واگذاری حق اختراع است گنجانده می‌شود و به طور مثال انتقال گیرنده یک اختراع با کاربرد دارویی به تولید محصولات برای مصارف انسانی و نه مثلاً برای حیوانات محدود می‌شود و یا در یک اختراع مربوط به تکنولوژی هسته‌ای به استفاده از آن در تولید برق و نه مثلاً برای تولیدات نظامی ملزم و محدود می‌گردد.

۲.۱. محدودیت‌های مربوط به تحصیل و استفاده از تکنولوژی رقیب *Archive of SID*

این رویه به طور گسترده‌ای آزادی دریافت‌کننده تکنولوژی را در تحصیل و استفاده از تکنولوژی‌های رقیب و مشابه در بازار محدود می‌کند و در نتیجه وی را ملزم می‌نماید از میان تکنولوژی‌های جانشین‌انهایی را انتخاب کند که به انتقال‌دهنده تکنولوژی تعلق دارد. صاحبان تکنولوژی برای توجیه این رویه محدودکننده دلایلی ارائه می‌کنند. اینان اعتقاد دارند که تحصیل تکنولوژی رقیب در موارد زیادی با انعقاد قراردادهای همکاری میان دریافت‌کننده و اشخاص ثالث همراه است و همین همکاری موجب می‌شود که دانش فنی و تکنولوژی آنان به اشخاص ثالث منتقل شود، بدون آنکه منافع اقتصادی آنان در نظر گرفته شود. (UNCTAD, (a) 1975, Para115) در مقابل کشورهای در حال توسعه اعتقاد دارند که انتقال‌دهنده تکنولوژی برای توسعه و تکامل تکنولوژی خود و تطبیق آن با نیازها و شرایط روز وظیفه مهم و سنگینی دارد که این رویه موجب می‌شود چنین وظیفه‌ای فراموش شود.

۳.۱. محدودیت‌های مربوط به کمیت تولیدات^۲

محدودیت در مورد کمیت تولیدات به اشکال مختلفی از جمله تعیین حداقل و حداکثر مقدار تولید، محدودیت امکانات و تسهیلات لازم برای تولید محصول یا ممنوعیت استفاده از تکنولوژی در سایر ماشین‌آلات تجلی می‌یابد. این محدودیت ممکن است به طور غیرمستقیم رخ دهد؛ مثلاً الزام به پرداخت‌های سنگین پس از اینکه تولید کالا از میزان معینی فراتر رود یا الزام به ارائه محصول در بسته‌بندی‌های از پیش تعیین شده و با حجم و وزن مشخص. نتیجه نامطلوب این رویه بر اقتصاد کشور دریافت‌کننده تکنولوژی آن است که این کشور را از تولید محصول به اندازه‌ای که برای صادرات آن لازم است منع می‌کند و یا مجبور است به نحوی آن را تولید کند که قابل رقابت با سایرین در بازار نباشد. چون قیمت محصول در بازار تحت تأثیر میزان عرضه و دسترسی آسان مصرف‌کننده به آن است، سهمیه تولید که به منظور حفظ قیمت صورت می‌گیرد، نهایتاً به ضرر مصرف‌کننده عادی است. (UNCTAD, (b) 1982, Para118.)

۴.۱. محدودیت‌های مربوط به ایجاد انحصار در همکاری^۱ Archive of SID

در آن دسته از قراردادهای انتقال تکنولوژی همراه با اجازه استفاده از حقوق ناشی از (licensing) مالکیت صنعتی ممکن است اعطای این مجوز به طور انحصاری برای دریافت‌کننده تکنولوژی به وجود آید و دارنده این حقوق قانونی از انتقال آن به دیگران منع شود. در چنین حالتی دریافت‌کننده تکنولوژی می‌تواند به طور انحصاری فناوری‌های جدید را تحصیل کند و با مشارکت در پرداخت هزینه‌های شروع تولید و معرفی محصول در بازار - به این دلیل که سایر تولیدکنندگان از به دست آوردن این تکنولوژی محروم هستند - خود را در مقابل خسارات ناشی از واردات محصولات خارجی مشابه مصون دارد. هر چند این توافق انحصاری در اعطای حقوق مالکیت صنعتی برای دریافت‌کننده تکنولوژی آثار مثبتی دارد، لیکن چنین توافقاتی اغلب متقابل است و حق انتخاب خریدار تکنولوژی جهت شرکت در معاملات دیگر مانند بیع، نمایندگی یا تولید و استفاده از تکنولوژی‌های مشابه و رقیب را دچار محدودیت می‌کند. این شرط خصوصاً در مواردی محدودکننده و ناروا تلقی می‌شود که درج آن به منظور رعایت حقوق فروشنده تکنولوژی خریداری شده ضرورت نداشته باشد. علاوه بر این هر چند محدودیت ایجاد انحصار در همکاری موجب آزادی و فراغت از رقابت برای دریافت‌کننده تکنولوژی می‌گردد، ولی این امر برای عموم مردم و جامعه خالی از منفعت است، زیرا دریافت‌کننده به علت مصونیت از رقابت در امر تولید و بهبود کیفیت کالا دچار بی‌تحرکی و عدم پویایی لازم می‌شود. (Blakeney, OP.Cit,40.)

۵.۱. محدودیت‌های مربوط به الزام دریافت‌کننده تکنولوژی به خرید کالای اضافی^۲

ملزوم ساختن دریافت‌کننده تکنولوژی به خرید کالاهای اضافی و افزودن این کالاها به موضوع اصلی قرارداد، مانند خرید ماشین آلات و تجهیزات، مواد اولیه، کالاهای واسطه‌ای و یا تکنولوژی دیگری غیر از تکنولوژی خواسته شده، یکی دیگر از اعمال و رویه‌های محدودکننده تجاری محسوب می‌شود. در این رویه محدودکننده، دریافت‌کننده تکنولوژی مجبور است جدای از تکنولوژی خواسته شده، کالاهای فوق‌الذکر را نیز از انتقال دهنده تکنولوژی یا از هر منبع دیگری کسب و تهیه کند، بخرد. این رویه در مواردی حتی به اجبار دریافت‌کننده در استفاده

از کارمندان و پرسنل خاصی نیز گسترش یافته است. (UNCTAD, (b) 1982, 145.) شرط مزبور در اغلب قراردادهای انتقال تکنولوژی که همراه با اجازه استفاده از علامت تجاری است درج می‌شود و انتقال‌دهنده بر آن اصرار دارد. از نقطه نظر انتقال‌دهنده، تکنولوژی خاص خواسته شده بدون کالاهای فوق نمی‌تواند به طور سودمند مورد استفاده قرار گیرد و حفظ کیفیت کالا و رعایت استانداردهای لازم و حمایت از شهرت و اعتبار علامت تجاری مربوطه، مستلزم درج و تحمیل این رویه است، به ویژه هنگامی که محصول تولید شده برای صدور به بازار جهانی تمهید و هدف‌گذاری شده است. (Ibid, Para 146.)

به رغم توجهات فوق‌الذکر، مطالعات انجام شده نشان می‌دهد که رویه محدودکننده مزبور صرفاً به عنوان مکانیزمی برای کسب سود و منفعت بیشتر به کار می‌رود. با تحمیل این رویه، منبع درآمد اضافی برای انتقال‌دهنده تکنولوژی از راه فروش وسایل و کالاهایی با قیمت بالاتر، به دست می‌آید که در بازار جهانی با قیمت مناسب‌تر قابل دسترسی هستند. این رویه موجب می‌شود تا کشورهای در حال توسعه از فرصت‌های بهره‌برداری مناسب و باصرفه بیشتر در بازار جهانی محروم شوند و با چارچوب قیمتی از قبل تعیین شده رو به رو گردند. شرکت‌های خارجی دارنده تکنولوژی، نظارت و کنترل انحصاری خود را برای تدارک تجهیزات و سایر کالاهای مورد نیاز کشورهای در حال توسعه با تحمیل این رویه محقق می‌سازند و خود را در موقعیتی قرار می‌دهند که می‌توانند برای کالاهای با قیمت بالاتری پیشنهاد کنند در حالی که دیگران آن را ارزان‌تر می‌فروشند. قیمت بالاتر کالاهای موجب به وجود آمدن هزینه مخفی برای انتقال تکنولوژی و اقتصاد کشورهای در حال توسعه می‌شود. قیمت بالاتر تکنولوژی وارداتی وقتی با قیمت بالای محصول صارتی جمع می‌شود، نه تنها بار سنگینی بر توازن پرداخت کشورهای در حال توسعه تحمیل می‌کند، بلکه به آرامی نرخ رشد اقتصادی این کشورها را نیز کاهش می‌دهد. (UNCTAD, (b) 1974, Para 45 & 52.)

۶.۱. محدودیت‌های مربوط به مدت قرارداد^۱

اکثر قراردادهای انتقال تکنولوژی برای دوره زمانی طولانی منعقد می‌شوند. این رویه هنگامی محدودکننده و ناروا تلقی می‌گردد که اعتبار طولانی مدت قرارداد و تعهدات ناشی از آن

برای اقتصاد کشور ضروری نیست، زیرا در چنین شرایطی دریافت‌کننده تکنولوژی مجبور است تکنولوژی را دریافت یا آن را به کار گیرد که دیگر به روز نبوده و به وسیله تکنولوژی جدیدتر کنار رفته باشد. (Blakeney, OP.Cit.41.) چنین رویه‌ای اثرات نامطلوب متعددی بر اقتصاد کشورهای در حال توسعه می‌گذارد و آنها را ملزم به پرداخت‌های سنگین و طولانی مدت در برابر تکنولوژی می‌کند که برای نیازهای جدیدشان کافی نیستند. با این وجود طولانی بودن مدت قرارداد انتقال همیشه محدودکننده و ناروا تلقی نمی‌شود و ممکن است به نفع دریافت‌کننده تکنولوژی باشد. طول مدت قرارداد، گاهی ضروری و اجتناب‌ناپذیر است و آن هنگامی است که تکنولوژی خریداری شده در روند طولانی به کارگیری با نیازهای محلی دریافت‌کننده منطبق باشد یا برای افزایش تولید محصولات و عرضه آن در بازار جهانی در سطح مطلوب، ضرورت داشته باشد؛ از سوی دیگر مدت اضافی توافقنامه ممکن است به نفع دریافت‌کننده تکنولوژی باشد اگر بتواند قیمت سرانه تکنولوژی خریداری شده را پایین بیاورد. (UNCTAD, (a) 1975, Para 130.)

۷.۱. محدودیت‌های مربوط به کنترل کیفیت^۱

کنترل‌های کیفی، دریافت‌کننده فناوری را مجبور می‌سازد که خود را با سطحی از استانداردهای کیفی منطبق کند. این رویه محدودکننده، اغلب در آن دسته از قراردادهای انتقال درج می‌شود که همراه با مجوز استفاده از علامت تجاری است. در واقع تمامی دارندگان حقوق مالکیت صنعتی برای اطمینان یافتن از حفظ کیفیت محصولاتی که همراه با علامت تجاری آنان تولید می‌شود دارای منابع تجاری می‌باشند. اگر محصولات تولید شده همراه با علامت تجاری انتقال دهنده تکنولوژی باشد، قرار دادن استانداردهای کیفی برای حفظ اعتبار و شهرت کالا و دارنده علامت ضروری است. چنانچه محصول واحد و دارای علامت تجاری یکسان با کیفیت متفاوت به بازار عرضه شود، موجبات فریب مشتری را فراهم می‌سازد و از این طریق باعث بروز خسارت و صدمه به بازار انتقال دهنده آن فناوری می‌شود در حالی که کیفیت معینی از محصولات موجب اطمینان از قدرت رقابت آن کالا با کالاهای مشابه در بازار ملی و بین‌المللی

می‌شود. www.SID.ir

کنترل‌های کیفی ممکن است از طریق الزام به رعایت ملاحظات کیفی، تعهد به عدم تغییر در تکنولوژی خریداری شده یا تعهد به استفاده از روندی خاص و معین در تولید به دریافت‌کننده تحمیل گردد. (Ibid, Para 135.) کشورهای در حال توسعه این رویه را محدود کننده و ناروا معرفی می‌کنند و آن را وسیله و توجیهی در الزام خود به خرید اجباری مواد اولیه یا کالاها و خدمات اضافی و جانبی می‌دانند. انتقال دهنده فناوری همچنین به این بهانه بر فعالیت‌های تجاری انتقال‌گیرنده نظارت خواهد کرد و از طرف دیگر با اعمال کنترل‌های کیفی و الزام به رعایت حداقل سطحی از کیفیت که مورد نظر انتقال دهنده است، موجب تأخیر و توقف قابلیت تطبیق تکنولوژی خریداری شده با نیازها و منابع محلی و ملی می‌شود.

۲. اعمال و رویه‌های محدودکننده تجاری در رابطه با توزیع کالا

۲.۱. محدودیت‌های مربوط به قلمرو و سرزمینی^۱
 موافقتنامه‌های انتقال تکنولوژی در اغلب موارد محدوده جغرافیایی که دریافت‌کننده آن محق است در آن محدوده از فناوری انتقال یافته استفاده یا تولیدات ناشی از آن را به بازار عرضه کند را مشخص می‌نمایند.

از نقطه نظر کشورهای توسعه یافته و صاحبان تکنولوژی چنین امری حق مشروع و قانونی است، زیرا دارنده می‌خواهد دستاورد خود را به دیگران بفروشد و آنچه را که به عنوان بهره مالکانه^۲ از انتقال گیرنده دریافت داشته فقط برای محدوده جغرافیایی خاصی مورد محاسبه قرار گرفته است. به رغم توجیه بالا، محدودیت‌های سرزمینی معمولاً ابزاری برای تقسیم بازار جهانی میان صاحبان تکنولوژی است. ایشان در توافقی مسالمت‌آمیز بازار را به طور انحصاری برای فروش محصولات میان خود تقسیم می‌کنند. با درج این رویه در قراردادهای فناوری امکان بالقوه و بالفعل صادرات از کشورهای در حال توسعه سلب و مانع توسعه و افزایش مهارت‌های بازاریابی در میان این کشورها می‌شود. نتیجه‌ای که در نهایت به دست می‌آید ادامه وابستگی این کشورها به تعداد اندکی از شرکت‌های چند ملیتی یا کارتل‌های بزرگ توزیع کالا می‌شود که هم‌اکنون بر کانال‌های بازاریابی بین‌المللی مسلط هستند. (UNCTAD, (b) 1975, Para 67.)

۲.۲. محدودیت‌های مربوط به مجاری توزیع محصولات^۱ *Archive of SID*

با درج این رویه محدودکننده، انتقال دهنده تکنولوژی حق انحصاری خود را برای توزیع و تعیین بازار هدف محصولات تولید شده محفوظ می‌دارد. براین اساس دریافت‌کننده فناوری ملزم می‌شود موافقتنامه‌های مربوط به حق انحصاری فروش یا نمایندگی محصولات را با انتقال‌دهنده تکنولوژی یا هر شخصی منعقد سازد که وی تعیین می‌کند. از نتایج نامطلوب تحمیل این رویه بر اقتصاد کشورهای در حال توسعه همانا وابستگی این کشورها به انتقال‌دهنده تکنولوژی برای توزیع کالاهای ساخته شده و ایجاد محدودیت در صادرات محصولات است. (UNCTAD, (a) 1975,154.)

۳.۲. محدودیت‌های مربوط به صادرات^۲

این رویه از معمول‌ترین محدودیت‌هایی است که در موافقتنامه‌های انتقال تکنولوژی درج می‌شود. از طریق این رویه، انتقال‌گیرنده تکنولوژی از صدور تمام یا بخشی از محصولاتش به تمامی کشورها یا به کشور و یا کشورهای خاصی منع می‌شود. این ممنوعیت برای کشورهای در حال توسعه، هم از حیث صادرات و هم از حیث واردات کالا ایجاد محدودیت می‌کند. (UNCTAD, (a) 1982,45.) محدودیت‌های مربوط به صادرات کالا می‌تواند به طور مستقیم، غیرمستقیم یا به طور ضمنی در قراردادهای انتقال تکنولوژی درج شود. این رویه هنگامی که به طور مستقیم در قرارداد گنجانده می‌شود، محدودیت کاملی را در مورد صدور کالا موجب می‌شود و دریافت‌کننده فناوری از صدور محصولات خود به کشورهای معین یا مناطق جغرافیایی خاصی منع می‌شود یا فقط به آن کشورها اجازه صادرات خواهد داشت. همچنین ممکن است این محدودیت صرف نظر از منطقه جغرافیایی شامل میزان صادرات کالا هم شود. محدودیت‌های غیرمستقیم صادراتی دامنه وسیع‌تری را دربرمی‌گیرد و به انواع گوناگون و به عنوان پیش شرط در قرارداد درج می‌شود. قبول مسئولیت بازاریابی در بازار محلی، پرداخت بهره مالکانه هنگام صدور کالای تولید شده که عملاً منتج به صدور کالا با قیمت از پیش تعیین شده می‌گردد، نظارت کیفی خاص و اعمال استانداردهای مشخص هنگام صدور کالا یا الزام به فروش انحصاری محصولات به انتقال‌دهنده تکنولوژی از جمله مصادیق محدودیت‌های

غیرمستقیم صادراتی است. محدودیت‌های ضمنی ناشی از اثرات سایر اعمال و رویه‌های محدودکننده است که پیش از این مورد مطالعه قرار گرفت و بر صادرات کالا اثر می‌گذارد، مانند اعمال و رویه‌های محدودکننده در خصوص میزان و کمیت محصولات، حوزه استفاده از تکنولوژی و الزام به خرید کالاهای اضافی. این رویه‌های محدودکننده که اغلب با عملیات شرکت‌های فراملیتی و نظارت کیفی مدیریتی آنها بر عملکرد شعب و نمایندگی‌هایشان در خارج از کشور مرتبط هستند به طور ضمنی امکان صادرات را برای کشورهای در حال توسعه محدود می‌سازند. (UNCTAD, (a) 1975,139-142)

درج هر یک از اشکال مربوط به محدودیت‌های صادراتی در قراردادهای انتقال تکنولوژی، اثرات منفی زیادی بر اقتصاد کشورهای در حال توسعه خواهد گذاشت، مثلاً این محدودیت‌ها مانع رشد صنعتی کشور و سرمایه‌گذاری در بخش‌های جدید تولیدی خواهد شد و همچنین کشورهای در حال توسعه را در رسیدن به همکاری‌های اقتصادی و یک پارچگی منطقه‌ای بازمی‌دارد. (UNCTAD, (c) 1975,188)

۳. اعمال و رویه‌های محدودکننده تجاری در رابطه با توسعه تکنولوژی ملی و توانایی‌های علمی

۱.۳. محدودیت‌های مربوط به تحقیق و توسعه^۱

این رویه فرصت‌های توسعه و تکامل فناوری ملی و ظرفیت‌های علمی بومی را از کشورهای در حال توسعه برای بهره‌وری حداکثر از تکنولوژی انتقال یافته و امکان تطبیق و همگون‌سازی آن با شرایط محلی سلب می‌کند. این محدودیت می‌تواند هم شامل تحقیق و توسعه آتی تکنولوژی انتقال یافته و هم تحقیق و توسعه تکنولوژی‌های مشابه و رقیب باشد. همچنین این محدودیت می‌تواند به طور کلی یا فقط در خصوص انواع خاصی از فعالیت‌های تحقیقی اعمال گردد، به ویژه آنهایی که می‌توانند بالقوه وارد رقابت با تحقیقاتی شوند که خود انتقال‌دهنده تکنولوژی انجام می‌دهد. اثرات منفی این رویه بر اقتصاد ملی و توسعه و تکامل فنی کشورهای در حال توسعه کاملاً روشن و مبرهن است و نشان دهنده این است که انتقال دهنده تکنولوژی از موقعیت برتر خود در قرارداد سوء استفاده می‌نماید.

(Blackney, OR, Cit, 38-39)

۲.۳. محدودیت‌های مربوط به اعطای متقابل و بلاعوض تکنولوژی^۱
Archive of SID
 به موجب این مقررات دریافت‌کننده تکنولوژی ملزم می‌شود هر نوع بهبود و اصلاح تکنولوژی انتقال یافته اختراع و نوآوری را در زمینه مربوطه و هرگونه تجربه جدیدی که در هنگام استفاده از تکنولوژی به آن اضافه می‌گردد و یا حتی هنگام کار با تکنولوژی‌های دیگر به دست می‌آید، به طور رایگان به انتقال‌دهنده تکنولوژی منتقل کند. این تعهد ممکن است یک طرفه یا متقابل و برای همه اطراف قرارداد (UNCTAD, (a) 1982,28) و نیز ممکن است اجباری یا اختیاری با پرداخت و یا بدون پرداخت باشد. هنگامی که این مقررات یک طرفه است و انتقال‌دهنده چنین تعهدی ندارد، رویه‌ای ناروا و محدودکننده محسوب می‌گردد و موجب می‌شود تا انتقال‌گیرنده نتواند از نتایج فعالیت‌های تحقیقی‌اش بهره‌بردار.

مقررات مربوط به اعطای متقابل بر جریان آزاد تکنولوژی اثری نامطلوب دارد، زیرا هر دو طرف را (انتقال‌دهنده و انتقال‌گیرنده) به سمت کاهش فعالیت‌های مبتکرانه و خلاقانه هدایت می‌کند. اگر انتقال‌دهنده تکنولوژی مطمئن باشد که هر چه حاصل فعالیت‌های تحقیقی انتقال‌گیرنده است به او باز می‌گردد، دیگر خود انگیزه ابتکار و خلاقیت را از دست می‌دهد. انتقال‌گیرنده نیز وقتی می‌داند محصول و نتیجه کار محققین و کارمندانش باید تقدیم انتقال‌دهنده شود، دیگر برای تلاش و فعالیت فنی انگیزه‌ای نخواهد داشت. (Timberg, 1981, 107) مقررات اعطای متقابل معمولاً در مقابل دریافت وجه نیست و حتی جایی که این مقررات یک طرفه نیست، تقابل واقعی وجود ندارد و در نتیجه انتقال‌دهنده تکنولوژی بدون اینکه خطری را تحمل کند، از تکنولوژی بهبود یافته سود می‌برد و این محققین و کارمندان انتقال‌گیرنده هستند که بیشترین ضرر را متحمل می‌شوند. انتقال‌گیرنده تکنولوژی برای دریافت تکنولوژی چیزی پرداخت می‌کند در حالی که انتقال‌دهنده برای بهبود و تکامل آن پرداختی نمی‌کند و این در حالی است که اصلاحات انجام شده تقریباً همیشه در مالکیت انتقال‌دهنده قرار می‌گیرد. (UNCTAD, (a) 1974, Para33)

۳.۳. محدودیت‌های مربوط به خرید اجباری اختراعات یا بهبودهای فنی *Archive of SID*

این رویه کاملاً عکس مقررات مربوط به اعطای متقابل و بلاعوض است. این رویه دریافت‌کننده را مجبور می‌سازد تمام یا برخی از اختراعات و یا تکنولوژی بهبود یافته و اصلاح شده را که در آینده به وسیله انتقال دهنده انجام می‌شود از او خریداری کند. اثرات نامطلوب این رویه بسیار روشن است و دریافت‌کننده ملزم می‌شود اختراع یا تکنولوژی اصلاح شده‌ای را که به آن نیاز ندارد یا خود می‌تواند آن را تکامل دهد یا از منابع دیگری با قیمت پایین‌تر بخرد از انتقال‌دهنده به دست آورد. (UNCTAD, (a) 1975,205)

۴.۳. محدودیت‌های مربوط به استفاده و آموزش پرسنل^۲

از طریق این رویه آزادی دریافت‌کننده تکنولوژی در استخدام پرسنل محدود می‌شود و ملزم خواهد بود از پرسنلی استفاده کند که انتقال دهنده تعیین می‌کند. کشورهای توسعه یافته در توجیه این رویه محدودکننده به فقدان پرسنل ماهر و باتجربه کافی در کشورهای در حال توسعه استناد می‌نمایند. از نظر اینان در موارد زیادی انتقال کامل و مؤثر تکنولوژی خریداری شده و پس از آن تکمیل و راه‌اندازی پروژه بستگی به حضور نیروهای متخصص و آموزش دیده دارد و اگر انتقال‌گیرنده از پرسنل محلی آموزش ندیده استفاده کند، انتقال مؤثر و مفید تحقق نمی‌یابد و در اثر عدم کنترل و نظارت بر کیفیت محصولات تولید شده شهرت تجاری انتقال دهنده به خطر می‌افتد. (UNCTAD, (b) 1975,83-84) این رویه محدودکننده موجب می‌شود تا کشورهای در حال توسعه نتوانند از نیروی کار بومی خود سود جویند در حالی که یکی از اهداف خرید تکنولوژی خارجی برای این کشورها توسعه ساختار تکنولوژیکی و تربیت نیروی کار ماهر است. از این گذشته چنین محدودیتی هزینه بالای اجتماعی و مالی از جمله هزینه مؤسسات مشاوره‌ای و دستمزد پرسنل خارجی را به اقتصاد این کشورها تحمیل می‌کند.

۱.۴. محدودیت‌های مربوط به زمان بعد از انقضاء حقوق مالکیت صنعتی^۱

قراردادهای انتقال تکنولوژی به عنوان توافق حقوقی برای انتقال حقوق مالکیت صنعتی و دانش فنی معمولاً بعد از انقضاء دوران حمایت قانونی از این حقوق خاتمه می‌یابند، زیرا بعد از انقضاء حقوق مالکیت صنعتی، مثلاً حقوق ناشی از اختراع ثبت شده دانش مربوطه وارد مرحله عرضه عمومی می‌گردد و همه اشخاص می‌توانند بدون هیچ تعهد و پرداختی از آن استفاده نمایند. با این حال انتقال دهنده تکنولوژی شرط پرداخت در آینده را حتی زمانی که مدت حمایت از اختراع منقضی شده است به انتقال گیرنده تکنولوژی تحمیل می‌کند. از نقطه نظر کشورهای در حال توسعه هنگامی که دوره حمایت قانونی از حقوق مالکیت صنعتی منقضی شده باشد، هر نوع محدودیت یا پرداخت یا بهره مالکانه که بر مبنای حقوق مزبور باشد ناروا و غیرمنصفانه خواهد بود.

۲.۴. محدودیت‌های مربوط به زمان بعد از انقضاء مدت قرارداد^۲

قراردادهای انتقال تکنولوژی ممکن است اعمال و رویه‌های محدودکننده را حتی پس از انقضاء مدت قرارداد به دریافت کننده تکنولوژی تحمیل نماید. این رویه محدودکننده و ناروا به اشکال مختلفی ظاهر می‌شود، مثلاً در یک مورد دریافت کننده ملزم می‌شود بهره مالکانه ناشی از حقوق مالکیت صنعتی را بدون محدودیت زمانی تا هنگامی که تولید انجام می‌شود یا روند تولید ادامه دارد، پرداخت نماید و یا در مورد تحقیق و توسعه و حفظ اسرار و عدم استفاده از اطلاعات محرمانه حتی پس از انقضاء مدت قرارداد با محدودیت‌هایی رو به رو می‌گردد.

(UNCTAD, (a) 1982-15)

در میان انواع این محدودیت‌ها که همگی مربوط به زمان بعد از انقضاء مدت قرارداد است، منع ادامه استفاده از تکنولوژی انتقال یافته، بیشترین اثر نامطلوب را بر اقتصاد کشور دریافت کننده می‌گذارد. چنین محدودیتی به این معنی است که اقدامات، تلاش‌ها و منابع مالی به کار گرفته شده در تکنولوژی خاص برای تولید محصولات و بازاریابی آن‌ها در خاتمه مدت قرارداد نادیده گرفته شود و تمامی سرمایه‌گذاری‌ها در این زمینه به هدر رود.

(UNCTAD, (b) 1982, 125)

۳.۴. محدودیت‌های مربوط به اعراض از حق طرح شکایت^۱

Archive of SID

در موافقتنامه‌های انتقال تکنولوژی گاهی این شرط درج می‌شود که دریافت‌کننده تکنولوژی از حق خود در طرح ادعا در خصوص بی‌اعتباری حقوق مالکیت صنعتی که در موافقتنامه آمده است، اعراض می‌کند. از آنجایی که تعهد به پرداخت بر مبنای اعتبار حقوق مالکیت صنعتی برای انتقال گیرنده به وجود آمده است و خریدار تکنولوژی به فرض واقعی بودن حق اختراع یا سایر حقوق مالکیت صنعتی، قرارداد انتقال را امضاء و مبلغ گزافی پرداخته است، چنین رویه ناروایی پرداخت بهره مالکانه را تضمین می‌کند حتی در صورتی که بعداً معلوم شود حقوق مزبور تقلبی بوده یا تکنولوژی موضوع آن خصلت محرمانه بودن خود را از دست داده و جزو اموال عمومی محسوب می‌شود. در مورد اکثر کشورها شرط "نه اعتراض" "نه ادعا" در قراردادها، رویه‌ای ناروا و محدودکننده محسوب می‌شود. (UNCTAD,(a) 1982,20)

۴.۴. محدودیت‌های مربوط به عدم رقابت با انتقال دهنده فناوری

بر اساس این رویه، انتقال گیرنده تکنولوژی متعهد می‌شود از تولید یا فروش کالاها و محصولاتی که می‌توانند با تولیدات انتقال دهنده فناوری در بازار رقابت کنند خودداری کند. بدیهی است که این رویه تأثیر نامطلوبی بر ظرفیت‌های تولیدی و رقابتی دریافت‌کننده تکنولوژی می‌گذارد و باعث می‌گردد تا دریافت‌کننده نتواند با رقبای انتقال دهنده معامله نماید و در نتیجه مجبور شود تمام یا اکثر مواد خام و یا تجهیزات و الزامات مورد نیاز خود را منحصراً از تدارک‌کننده تهیه کند. (Ibid,32.)

۵.۴. محدودیت‌های مربوط به تعیین قیمت محصول^۲

انتقال دهنده فناوری با درج این رویه در قراردادهای انتقال، حق تعیین قیمت محصولات تولید شده ناشی از تکنولوژی خریداری شده را نه تنها در بازار داخلی، بلکه در صادرات آن به بازار جهانی برای خود محفوظ می‌دارد. از این طریق قیمت کالا و محصولات تولید شده توسط انتقال دهنده تعیین می‌شود و انتقال گیرنده التزام می‌یابد تا کالاهای خود را با قیمتی که انتقال دهنده تعیین می‌کند یا با قیمتی که از حداقل قیمت تعیین شده وی کمتر نباشد به بازار ارائه

دهد. انتقال دهندگان تکنولوژی این محدودیت را با این توجیه در قراردادهای انتقال درج می‌کنند که می‌خواهند محصولات تولیدی در بازار صادراتی قابل رقابت نباشد. (Blakeney, 1989, 39) معهدا اثرات نامطلوب این رویه بر اقتصاد کشورهای دریافت‌کننده تکنولوژی روشن است و موجب می‌گردد که قدرت مانور آن کشورها برای صدور کالا محدود شود و در نهایت نتوانند توازن لازم را در مازاد تجاری خود ایجاد کنند.

ج - تلاش برای کنترل اعمال و رویه‌های محدودکننده تجاری

همان‌طور که در بخش الف این مقاله توضیح داده شد، همه کشورها اعم از توسعه یافته و در حال توسعه در خصوص آثار نامطلوب و منفی اعمال و رویه‌های محدودکننده تجاری بر اقتصاد ملی و توسعه اقتصادی و فنی متفق القول هستند. کشورهای توسعه یافته این اعمال را موجب عدم برابری در تجارت آزاد می‌دانند و عموماً با وضع قواعد ضد رقابتی و تراسه با آنها مقابله می‌کنند. کشورهای در حال توسعه علاوه بر تایید تأثیر منفی این اعمال در امر رقابت با وضع مقررات کلی‌تر منافع عمومی کشور را درباره توسعه فنی و اقتصادی نیز لحاظ می‌کنند. از این روی دولت‌های عضو جامعه بین‌المللی در سطح ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی تلاش‌هایی را به منظور وضع قواعد مناسب برای مقابله و ممنوعیت این اعمال انجام داده‌اند. در این بخش تلاش‌های صورت گرفته را در دو قسمت مورد بررسی قرار می‌دهیم.

۱. مقررات ملی و منطقه‌ای

از آنجایی که اعمال و رویه‌های محدودکننده تجاری توسط شرکت‌ها به صورت انفرادی یا در اقدامی هماهنگ و به طور جمعی صورت می‌گیرد، نخستین قانون خاص برای کنترل رفتار شرکت‌ها در اوایل قرن ۱۹ در کانادا تصویب و بعداً با وضع قانون شرمین^۱ در آمریکا دنبال شد. در ایالات متحده آمریکا در اثر اعتراض عمومی مردم به تمرکز قدرت اقتصادی در دستان تعداد معدودی از تراسه‌های اقتصادی که از طریق اعمال رویه‌های محدودکننده تجاری می‌توانستند اقتصاد را به سمت انحصار هدایت نمایند، مقررات ضد تراسه وضع گردید. بعد از جنگ جهانی دوم جمهوری فدرال آلمان و ژاپن قوانین مشابهی وضع کردند و در فرانسه، دانمارک،

هلند، نروژ و سوئد قوانین ضد تراست با استناد به این امر که کنترل قیمت‌ها با کنترل اعمال و رویه‌های محدودکننده تجاری ملازمه دارد به تصویب رسیدند؛ (UNCTAD, 1987, 18-19) در حالی که در اغلب کشورهای توسعه یافته و دارای اقتصاد بازار قوانین داخلی برای کنترل اعمال و رویه‌های محدودکننده تجاری وجود دارد در بسیاری از کشورهای در حال توسعه هیچ قانونی در این خصوص وجود ندارد، با این وجود در سالیان اخیر برخی از این کشورها قوانینی از این دست را تصویب کرده‌اند یا در حال تصویب آن هستند.^۱

در سطح منطقه‌ای اولین اقدام در جامعه اقتصادی اروپا EEC و با پذیرش معاهده رم در سال ۱۹۵۷ آغاز شد. مواد ۸۵ و ۸۶ این معاهده به اعمال و رویه‌های محدودکننده تجاری اختصاص دارد و توافقات میان شرکت‌های تجاری را برای رسیدن به موقعیت برتر در بازار که به طور ناروا و غیرمنصفانه انجام می‌شود و برخلاف رقابت آزاد است، ممنوع ساخته است. (Ibid, 20-21)

۲. مقررات بین‌المللی

تعهد کشورهای عضو جامعه بین‌المللی، مطابق قواعد عرفی حقوق بین‌الملل و منشور ملل متحد به حفظ صلح جهانی از طریق توسعه تجارت بین‌الملل، ضرورت توجه به موانع تجاری در سطح بین‌الملل را ایجاب می‌کند. بدین منظور تلاش‌هایی برای کاهش یا الغاء موانع تجاری تحت نظارت سازمان‌های بین‌المللی از جمله UNCTAD و UNCTC انجام شده است که اعمال و رویه‌های محدودکننده تجاری یکی از موضوعات اصلی در دستور کار این سازمان‌ها بوده است.

پیش از این منشور هاوانا در سال ۱۹۴۸ یک فصل کامل (فصل پنجم) با ۹ ماده را به کنترل اعمال و رویه‌های محدودکننده تجاری اختصاص داد. معهداً همان‌طور که ITO تشکیل نشد، فصل پنجم نیز هرگز پذیرفته نشد و در نتیجه اصول مربوط به این اعمال و رویه‌ها نتوانست اجرایی شود. (Joelson, 1976, 837-844)

در مورد دلایل عدم پذیرش فصل پنجم منشور هاوانا یکی از نویسندگان چنین نظر داده

۱. آرژانتین، برزیل، مکزیک، بولیوی، کلمبیا، اکوادور، پرو، ونزوئلا، هند، پاکستان، تایلند، نیجریه، فیلیپین، کره جنوبی، یوگسلاوی و ژاپن از جمله کشورهای در حال توسعه هستند که بین سال‌های ۱۹۷۱ الی ۱۹۸۱ قوانین داخلی در این مورد تصویب کرده‌اند. در ایران تاکنون هیچ قانونی در خصوص اعمال و رویه‌های محدودکننده تجاری وضع نشده است.

است: "در سال ۱۹۴۸ نقش کشورهای در حال توسعه در مسائل بین‌المللی خیلی ضعیف بود در حالی که شرکت‌های متعلق به کشورهای توسعه یافته و دارای اقتصاد بازار، کنترل واقعی تجارت جهانی را به عهده داشتند، بنابراین عدم پذیرش فصل پنجم که قواعد جدیدی برای تجارت بین‌المللی و رفتار این شرکت‌ها ایجاد می‌کرد غیرقابل پیش بینی و عجیب نبود. یک چهارم قرن بعد، ساختار سیاسی جهان به طور قابل ملاحظه‌ای تغییر یافت و کشورهای در حال توسعه در مجمع عمومی سازمان ملل متحد اکثریت را به دست آوردند و نظم نوین اقتصاد بین‌المللی را خواستار شدند." (Brusick, 1983, 339)

در پیش نویس کردارنامه راجع به شرکت‌های فراملیتی که به وسیله UNCTC تهیه شده بود، مقرراتی درباره اعمال و رویه‌های محدودکننده تجاری وجود داشت. پاراگراف شماره ۳۵ این پیش‌نویس مقررات مندرج در "مجموعه قواعد و مقررات چند جانبه برای کنترل اعمال و رویه‌های محدودکننده تجاری" را تحت شمول کردارنامه مزبور قرار می‌دهد. (UNCTAD, 1986, 15) در سال ۱۹۷۶ آنکتاد در چهارمین نشست خود در ناپرویی با تصویب قطعنامه شماره ۹۶ تهیه و تنظیم قانون نمونه‌یی در خصوص اعمال و رویه‌های محدودکننده تجاری را خواستار شد. (UNCTAD, (b) 1979) معهدا عمده‌ترین تلاش بین‌المللی مربوط است به تهیه و تنظیم "مجموعه قواعد و مقررات چند جانبه برای کنترل اعمال و رویه‌های محدودکننده تجاری" که تحت نظارت آنکتاد انجام گرفت و در نهایت در ۵ دسامبر ۱۹۸۰ تلاش‌های بلاوقفه این سازمان طی ده سال گذشته به ثمر نشست و مجموعه قواعد فوق‌الذکر به اتفاق آراء به وسیله قطعنامه ۳۵/۶۳ به تصویب مجمع عمومی سازمان ملل متحد رسید. (UNCTAD, 1981) این مجموعه قواعد دارای یک مقدمه و هفت بخش اصلی است. در مقدمه اعمال و رویه‌های محدودکننده تجاری به عنوان اعمالی تلقی شده است که بر تجارت بین‌المللی خصوصاً بر تجارت و اقتصاد کشورهای در حال توسعه اثر منفی می‌گذارد. همچنین در این مجموعه تأکید خاصی بر آن دسته از اعمال و رویه‌های محدودکننده شده است که ناشی از فعالیت‌های شرکت‌های فراملیتی است. اهداف ذکر شده در تهیه و تنظیم این مجموعه اطمینان از آزادی تجارت، حمایت از رقابت آزاد، تشویق ابداعات و اختراعات، توسعه رفاه اجتماعی و حمایت از منافع مصرف‌کننده، الغاء و کاهش اثرات منفی اعمال و رویه‌های محدودکننده تجاری و تشویق دولت‌ها به وضع قواعد ملی و منطقه‌ای در خصوص کنترل این اعمال می‌باشد.

نکته مهمی که در مورد این مجموعه مورد اختلاف است و در طول مذاکرات نیز بحث‌انگیز شد، الزامی بودن یا جنبه توصیه‌ای داشتن آن است. کشورهای در حال توسعه اصرار داشتند که مجموعه حاضر باید جنبه الزام آور داشته باشد و در نتیجه تعهدات حقوقی الزام آور هم در سطح ملی و هم در سطح بین‌المللی برای کشورها ایجاد کند (UNCTAD, (c) 1979, 10) در حالی که کشورهای توسعه یافته بر جنبه اختیاری و داوطلبانه بودن پذیرش قواعد این مجموعه تأکید و آن را به عنوان راهنما و توصیه قلمداد می‌کردند. (UNCTAD, 1976, 73e76) در این مورد و در طول مذاکرات بین این دو دسته کشورها توافقی حاصل نشد. امروزه باتوجه به اینکه مجموعه قواعد مزبور به وسیله مجمع عمومی ملل متحد به تصویب رسیده است، باید آن را توصیه‌نامه‌ای تلقی نمایم که اجرای آن بستگی تام به رضایت دولت‌ها دارد؛ (Brusick, 1987, 41-2) علاوه بر این، دلایل دیگری که ناشی از بررسی مقررات مندرج در خود مجموعه یاد شده است، نشان می‌دهد که مجموعه یاد شده سند غیر الزام آور است، مثلاً در پاراگراف دهم بخش مقدمه آمده که "مجموعه اصول و قواعدی... که توصیه‌هایی را در برمی‌گیرد." همچنین در بخش سوم G پاراگراف ششم ساز و کار بازبینی این مجموعه قواعد به منظور تغییر و اصلاح آن پیش‌بینی شده است یا هیچ یک از نهادهای پیش‌بینی شده در این مجموعه، مانند گروه‌های کارشناسی بین‌الدولی و ارگان‌های فرعی آن، مانند محکمه عمل نمی‌کنند و چنین نقش و نظارتی را بر فعالیت‌ها و اقدامات فردی دولت‌ها و یا شرکت‌های فراملیتی ندارند که در هر حال، همگی نشان از جنبه غیر الزام آور بودن این مجموعه دارد.

معهدا این نکته نیز قابل توجه است که گرچه قطعنامه مجمع عمومی ملل متحد اجباری نیست، ولی چنین قطعنامه‌هایی نشان از خط مشی و اراده مشترک دولت‌های عضو جامعه بین‌المللی دارد که می‌تواند تعهد اخلاقی روشنی را دربر داشته باشد و دولت‌ها را متعهد سازد تا آن را با حسن نیت اجرا کنند. (Verma, 1988, 405)

از سال ۱۹۸۰ که این مجموعه قواعد به وسیله قطعنامه شماره ۳۵/۶۳ به تصویب مجمع عمومی سازمان ملل متحد رسید و براساس تکلیفی که در بخش G آن برای آنکتابد در خصوص نقش مدیریتی و راهبری این سازمان و تشکیل کنفرانس بازرنگری و تجدید نظر مزبور ایجاد شد، تاکنون به صورت منظم هر پنج سال کنفرانس تجدید نظر تشکیل و پیشنهادات کشورها در مورد اصلاح مقررات مندرج در آن مورد بحث و بررسی قرار گرفته است. اولین کنفرانس بازرنگری از ۱۵ نوامبر ۱۹۸۵ در ژنو و آخرین آن از ۱۴ الی ۱۸ نوامبر ۲۰۰۵ در ترکیه برگزار شد. در این

جلسات عموماً کیفیت اجرای مجموعه مقررات مذکور توسط کشورهای عضو بررسی و پیشنهاداتی برای بهبود آن به اعضا ارائه شد.^۱

از دیگر اقدامات سازمان یاد شده که به موازات کوشش‌های ذکر شده در اعمال و رویه‌های محدودکننده تجاری صورت پذیرفته است تهیه و تنظیم و انتشار قانون نمونه برای کمک به کشورهای در حال توسعه به منظور ایجاد و وضع قوانین ملی مناسب برای کنترل اعمال و رویه‌های محدودکننده تجاری است. (UNCTAD, (b) 1979) این اقدام متعاقب قطعنامه شماره (IV) ۹۶ مورخ ۳۱ می ۱۹۷۶ آنکتاد چهارم شروع شد و هدف از آن تنظیم قانون نمونه برای ایجاد یا اصلاح قوانین ناظر بر کنترل این اعمال در کشورهای در حال توسعه و هماهنگی این قوانین با چارچوب‌های حقوقی در سطح بین‌المللی است. پیش نویس اولیه این قانون در آنکتاد و با کمک تعدادی از کارشناسانی نوشته شد که در مذاکرات مربوط به پذیرش "مجموعه قواعد و مقررات چند جانبه برای کنترل اعمال و رویه‌های محدودکننده تجاری" شرکت داشتند. این قانون نمونه دارای ۱۳ ماده و در سال ۱۹۷۹ توسط آنکتاد منتشر شد. (Ibid, For More detail see also Thompson, 1980, 444-449) نکرده و اعتقاد دارند که قواعد مندرج در این قانون از مقررات مندرج در مجموعه قواعد اشاره شده نیز فراتر رفته است و شروط مربوط به حمایت از مصرف‌کننده چنان گسترش یافته که در مجموع تزییقاتی برای شرکت‌ها و نهادهای تجاری ایجاد می‌کند و در نهایت بر معاملات و قراردادها اثر نامطلوب می‌گذارد. (Davidow, 1985, 39) به همین دلیل و هم اکنون در آنکتاد کار بر روی قانون نمونه و تجدید نظر بر پیش نویس منتشر شده ادامه دارد.

۱. برای ملاحظه جزئیات مطرح شده در کنفرانس‌های بازنگاری و اطلاع از قطعنامه‌های صادره به منابع زیر مراجعه شود:

UNCTAD, TD/B/1054-TD/B/RBP/31 (1985).

UNCTAD, TD/RBP/CONF.2/8,(20Nov1985).

UNCTAD, 3 Bulletin 1990.

UNCTAD, 7 Bulletin 1991.

UNCTAD, 29 Bulletin 1994.

UNCTAD, TD/B/41(2)/2 TD/B/RBP/103 (1995).

UNCTAD, TD/RBP/Conf. 4/14.(1995).

UNCTAD, TD/RBP/CONF.5/16,(September, 2000).

Archive of SID

اهمیت بنیادین اعمال و رویه‌های محدودکننده تجاری معطوف به این واقعیت است که این اعمال مانع رقابت تجاری سالم در بازار می‌شوند و نهادهای اقتصادی کوچک‌تر را که از توان مالی و اقتصادی کمتری نسبت به رقبای خود برخوردار هستند از امکان رقابت سالم محروم می‌کنند. بدیهی است هرگاه این اعمال در قراردادهای انتقال تکنولوژی درج گردند بر انتقال مؤثر فناوری به کشورهای در حال توسعه و نهایتاً بر اقتصاد این کشورها اثر منفی می‌گذارند. تأثیرات نامطلوب هر یک از این اعمال بر رشد و توسعه اقتصادی کشورهای در حال توسعه به طور مستقل در این مقاله بررسی شد. شرکت‌های فراملی منبع عمده صدور تکنولوژی به شمار می‌روند، لذا نظارت بر اعمال این شرکت‌ها اهمیت زیادی دارد. اثرات نامطلوب اعمال و رویه‌های محدودکننده تجاری ناشی از فعالیت شرکت‌های مزبور در هر دو دسته از کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه مورد اذعان همگان است. این شرکت‌ها از طریق تحمیل این اعمال و رویه‌ها در قراردادهای انتقال تکنولوژی برای خود درآمدهای بسیاری کسب می‌کنند و به موازات آن موقعیت انحصاری خود را در بازار فناوری تحکیم می‌بخشند و بدین طریق امکان کسب درآمد را در آینده افزایش می‌دهند.

انواع اعمال و رویه‌های محدودکننده تجاری حصری نیست و می‌توانند به طور مستقیم، غیرمستقیم و یا به طور ضمنی در قراردادهای انتقال تکنولوژی درج شوند. شرکت‌های فراملیتی برای تحمیل این رویه‌ها دلایلی ارائه می‌نمایند و اکثر آنان را محدودکننده و ناروا تلقی نمی‌کنند. آنچه که مبنای ناروا بودن این اعمال قرار می‌گیرد، نزد این شرکت‌ها و کشورهای در حال توسعه متفاوت است. در زمانی که تحمیل رویه‌ای به علت لزوم حفظ اسرار تجاری شرکت یا حفظ حقوق دارنده حقوق مالکیت صنعتی و یا لزوم حفظ شهرت تجاری صاحب علامت تجاری توجیه می‌گردد، ممکن است برای اقتصاد کشوری در حال توسعه و رشد اقتصادی این کشور اثرات نامطلوبی ایجاد کند، بنابراین توافق بر سر ناروا بودن و محدودکننده بودن این اعمال بیش از پیش ضروری است که متأسفانه این توافق در میان کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه تاکنون حاصل نشده است.

کشورهای در حال توسعه هنگام انعقاد قراردادهای انتقال تکنولوژی باید به این اعمال و رویه‌ها که اغلب با ظاهری عادلانه و منصفانه ظاهر می‌شوند توجه نمایند و از قبول آنها اجتناب

ورزند. این کشورها به عنوان واردکنندگان اصلی فناوری نه تنها فاقد تکنولوژی بلکه فاقد دانش فنی لازم برای بهره‌برداری از آن هستند، لذا انتقال مؤثر فناوری صرفاً در کنار و همراه با انتقال دانش فنی مربوط به آن مفهوم واقعی می‌یابد. تأسیس و استقرار نهادهای تحقیق و توسعه، واحدهای آموزشی فنی و سرمایه‌گذاری زیربنایی در بخش آموزش می‌تواند فاصله و اختلاف سطح توسعه و پیشرفت تکنولوژیکی میان کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه را کاهش دهد، اما اعمال و رویه‌های محدودکننده تجاری از بزرگ‌ترین موانع بر سر راه این امر و توسعه اقتصادی و زیربنایی این کشورها محسوب می‌شوند. اهداف مختلف و عمده‌ای برای کنترل این اعمال می‌توان برشمرد، مانند تشویق و حمایت از امکان رقابت سالم در بازار، جلوگیری از تجمع توان اقتصادی و انباشته شدن سرمایه در دست تعداد معدودی از کارتل‌ها، پیشبرد رفاه اجتماعی، حمایت از حقوق مصرف‌کننده و امثالهم، لیکن برای کشورهای در حال توسعه علاوه بر اهداف فوق تشویق تحقیقات و نوآوری، افزایش صادرات کالا و ایجاد توازن در مازاد تجارت خارجی و بالاخره انتقال مؤثر تکنولوژی مناسب و توسعه و تکامل فناوری بومی مهمترین هدف در کنترل این اعمال و رویه‌ها محسوب می‌شود.

همان طور که در این مقاله ملاحظه شد، تلاش‌های مختلفی در سطح ملی و منطقه‌ای و بین‌المللی برای وضع قوانین مناسب برای کنترل این اعمال صورت گرفته است و نهادهای بین‌المللی وابسته به سازمان ملل متحد، مانند آنکتاد نقش فعال و مؤثری در این خصوص عهده‌دار هستند. با این وجود و تاکنون قانون واحد و لازم الاجرائی که برای همه کشورها تعهدات الزام آوری ایجاد کند به تصویب نرسیده است. در چنین موقعیتی، وضع قوانین ملی مناسب خصوصاً برای کشورهایی مانند ایران که هنوز فاقد قانون مستقلی در این مورد هستند برای حذف یا حداقل کاهش اثرات نامطلوب این اعمال و رویه‌ها ضروری به نظر می‌رسد.

References:

A. Books

- Blakeney, Michael, *Legal Aspects of the Transfer of Technology to Developing Countries*, Oxford, ESC Publishing Limited, 1989. www.SID.ir
- Jackson, John H, "*Legal Problems of International Economics Relations*", Cases, Materials and Text, West Publishing Co. 1995.

- Loag Frank/ *Restrictive Business Practices*, Transnational Corporations and Development, U.S.A., Quorum Books, 1986.
- Schachter, Oscar & Hellawell, Robert (ed.) *Competition in International Business*, New York, Columbia University Press, 1981.
- Timberg Sigmund, *Restrictive Business Practices in the International Transfer and Diffusion of Technology*, In Oscar schachter and Robert Hellwell, 1981.
- Wang.N.T, "*Analysis of Restrictive Business Practices by Transnational Corporations and Their Impact on trade and Development*", In Oscar Schachter and Robert Hellwell, 1981.
- Winston M.E, *Children of Invention*, Wadsworth Group/Thomson Learning, second Edition, Belmont, California, 2003.

B. United Nations Publications

- OECD, *Council Recommendation Concerning Action Against Restrictive Business Practices Affecting International Trade Include those Involving Multinational Enterprises*, 20 July 1978, 17 I.L.M 1978.
- UNCTAD,(a) *AN International Code of Counduct of Transfer of Technology*, TD/B/C.6/AC.1/2./Supp. 1/Rev.1. 1975.
- UNCTAD,(a) *Control of Restrictive Practices in Transfer of Technology Transactions*, TD/B/C.6/72,1982.
- UNCTAD (a), *Draft International Code of Counduct on the Transfer of Technology*, as of 9 March 1979, TD/CODE TOT/14, March 1979, and as of 5 June, 1985 TD/CODE TOT/47,20 June 1985.
- UNCTAD (b), *First Draft of a Model Law or Laws on RBPs to Assist Developing Countries in Devising Appropriate legislation*, TD/B/C.2/AC. 6/16/Rev. 1,1979.
- UNCTAD (a) *Major Issues Arising from the Transfer of Technology A Case study of Spain*, TD/B/AC. 11/17, April 1974.
- UNCTAD (b), *Major Issues Arising from the Transfer of Technology to Developing Countries*, TD/B/AC. 11/10/Rev. 1,22 April 1974.

- UNCTAD (b), *Major Issues Arising from the Transfer of Technology to Developing Countries*, TD/B/AC. 11/10/Rev.2, 1975.
- UNCTAD *Report of the Second Ad Hoc Group of Experts on Restrictive Business Practices*, TD/B/600, TD/B/C.2/166, TD/BC.2/AC. 5/6, 1976.
- UNCTAD (c), *Report of the Third Ad Hoc Group of Experts on Restrictive Business Practices*, on its Sixth Session TD/25, TD/B/C.2/20, TD/BC.2/AC. 6/20, 1979.
- UNCTAD *Restrictive Business Practices Information*, TD/B/RBP/INF.19, 11 November 1987.
- UNCTAD (b), *Restrictive Business Practices Relation to the Trade and Development of Developing Countries*, TD/B/C.2/119, 1973.
- UNCTAD *Restructuring the legal Environment International Transfer of Technology Common Approaches to laws and Regulations of the Transfer and Acquisition of Technology*, TD/B/C.6.91, 7 October 1982.
- UNCTAD (c), *The Role of Patent System in the Transfer of Technology to Developing Countries*, TD/B/AC.11/19/Rev.1, 1975.
- UNCTAD *The set of Multilaterally Agreed Equitable Principles and Rules for the Control of Restrictive Business Practices*, TD/RBPs/Conf/10/Rev.1, 1981.
- UNCTAD *Report of the Fourth United Nations Conference to Review All Aspects of the Set of Multilaterally Agreed Equitable Principles and Rules for the Control of Restrictive Business Practices*, TD/RBP/CONF. 5/16, 25-29 September 2000.
- UNCTAD *The United Nations Code of Conduct on Transnational Corporations*, UNCTC Current Studies Series A No.4, ST/CTC/SER.A/4, September 1986.

C. ARTICLES

- Brusick, Philippe, *The Restrictive Business Practice set of principles and Rules*, (Autumn 1987) 24 CTC Reporter.
- Brusick, Philippe, *United Nations Control of Restrictive Business Practices: A Decisive First Step*, (1983) 17 JWTL.

- Correa, Carlos M., *Can the TRIPs Agreement Foster Technology Transfer to Developing Countries?* *Archive of SID* International Review, Vol 40(3)2003.
- Dinwoodie, Graeme B., *The International Intellectual Property Law System: New Actors, New Institutions, New Sources*, The American Society of International Law, Washington DC, March-April, 2004.
- Davidow, Joel *Antitrust and Transfer of Technology Rules: Recent Developments*, (Spring 1985) 19 CTC Reporter.
- Greenhill, Colin R., UNCTAD: *Control of Restrictive Business Practices*, (1978) 12 JWTL.
- Hoekman, Bernard M., Keith E. Maskus, Kamal Saggi, *Transfer of Technology to Developing Countries: Unilateral and Multilateral Policy Options*, World Bank Policy Research Paper 3332, June 2004.
- Joelson, Mark R., *The Proposed International Codes of Conduct as Related to Restrictive Business Practices*, (1976) 8 Law & Policy in International Business.
- Thompson, Dennis, *The UNCTAD Code on Transfer of Technology*, (1982) 16 JWTL.
- Verma, S.K., *International Regulation of Restrictive Trade Practices of Enterprises*, (1988) 28 Indian Journal of International Law.